

آکادمی

تقدیر ملکه بریتانیا

از ایرانی پیشگام فناوری‌های نوین

یاسایی «سِر» شد



● **گروه علم:** «حسین یاسایی» مهندس و مبتکر بریتانیایی ایرانی‌تبار به دلیل موفقیت‌هایش در عرصه فناوری‌های نوین، از ملکه بریتانیا لقب «سِر» گرفت. «یاسایی» مدیر اجرایی شرکت «مچجینیشن تکنولوژی» است و میلیاردها قطعه از تولیدات شرکت او در فرآورده‌های شرکت‌های صاحب‌نامی چون اپل، سونی و ال‌جی به کار می‌رود. پدراننده‌های گرافیکی تولید شرکت آقای «یاسایی» در آی‌فون و آی‌پد و نیز در گوشی‌های گالاکسی سامسونگ و همینطور در برخی تولیدات سونی و ال‌جی به کار می‌رود، به همین دلیل هر کسی که از تلفن‌های آی‌فون یا انواع دیگر همراه‌های هوشمند استفاده می‌کند به این ایرانی پنجاه و پنج ساله مدیون است. «سِر حسین یاسایی» در بیانیه‌ای گفته همیشه آرزو داشته که با کارهایش تغییری واقعی ایجاد کند و اهدافی نشان شوالیه توسط ملکه را به معنی به رسمیت شناختن فعالیت‌های گذشته و مشوقی برای آینده می‌داند. وی گفته: موفقیت در زندگی به حمایت خانواده، دوستان، همکاران و شرکا بستگی دارد و او در این زمینه بسیار خوش‌شانس بود و آنها را در افتخار خود شریک می‌داند. «حسین یاسایی» متولد و بزرگ‌شده ایران است. وی درباره خاطرات خود می‌گوید: «پادم هست که در چهارسالگی برای سردر آوردن از نحوه کار یک رادیو، انگشت خود را درون آن بردم که مرا برق گرفت. از آن زمان علاقه من به فناوری‌های جدید و کامپیوتر در من ایجاد شد و تاکنون نیز ادامه یافته‌است.» او در سال ۱۹۷۶ برای تحصیلات عالی به بریتانیا رفت و تحصیلات خود را در رشته علوم کامپیوتر در دانشگاه «ناتیینگهام» به پایان برد. اکنون شرکت تحت مدیریت وی در دوازده کشور مختلف جهان، بیش از ۱۳۰۰ کارمند دارد و ارزش سهام آن در بازار بورس لندن بیش از یک میلیارد پوند است.

تبرئه روزنامه «شرق» از هر سه اتهام در دادگاه مطبوعات

آفتاب همچنان از «شرق» طلوع می‌کند

سعید ارکان‌زاده‌یزدی

و آن را در کنار تصویر رزمندگان جنگ تحمیلی می‌گذار. «شرق» همان روز پنجم مهر توقیف و مهدی رحمانیان هم بازداشت شد. حدود ۹ شب، خبر رسمی توقیف به روزنامه‌نگاران «شرق» رسید و مدیرمسوول هم برای چند دقیقه‌ای به روزنامه آمد و چند جملهای در تحریریه صحبت کرد: «به هر حال، حساسیت‌ها روی روزنامه «شرق» زیاد بود. نتوانستند تحمل کنند و توقیف شدیم. ممنونم که در این دوسال ونیم زحمت کشیدید. اگر ماندیم که در خدمت‌تان هستیم و اگر هم نه، هر کجا هستید، موفق باشید.» رحمانیان حالا که دوباره روزنامه باز شده، می‌گوید: «آن شب، خیلی خسته بودم و اصلانی نتوانستم صحبت کنم اما نمی‌خواستم همکاران روزنامه فکر کنند دیگر همه چیز تمام شده یا ما ناامید شده‌ایم.»

مدیرمسوول از صبح پنجم مهر در دادستانی بود تا ساعت چهار عصر معطل شده بود و پس از آن، به او گفتند که قرار بازداشت با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی برایش صادر شده است. داندسرای فرهنگ و رسانه، بازپرس کشیک نداشت و رحمانیان باید بازداشت می‌شد تا روز شنبه، که دادسرا دوباره باز می‌شد و سند را تحویل می‌گرفت. او عصر روز یکشنبه، با روحیه‌ای خوب، آزادشد. هادی حیدری، کاریکاتورپرست «شرق» صبح روز توقیف با خبرگزاری «کار» ایران مصاحبه کرده و تیرت مصاحشان شده بود: «رزمندگان تاج سر من هستند.» چند ساعت بعد هم یک یادداشت نوشته و در آن توضیح داده بود که خودش پسر یک رزمنده

و بسیار قدردان رزمندگان است. او می‌گوید: «بعدازظهر روز توقیف، خبر رسید که احضار شده‌ام یا اینکه این خطر وجود دارد که بازداشت شوم. بچه‌ها خیلی فشار آوردند که از روزنامه بروم. دو سه روز نماندم اما هر لحظه آمادگی داشتم که بیایند و مرا بگیرند. مندام می‌گفتند احضاریه برایت فرستاده‌اند اما خبری از احضاریه نبود. روز یکشنبه هفته بعد، یک احضاریه برای من آمد که مربوط به اتهامات مطبوعاتی‌ام در سال ۸۹ بود. احضاریه‌ای که مربوط به آن کاریکاتور بود، بعد از سه ماه، در آرمه‌ها، به دست من رسید.» همان روز، مهدی رحمانیان تلاش می‌کرد که در مصاحبه با خبرگزاری‌ها، تیزی انتقادها را بکاهد. او می‌گفت که اگر واقعاً این طرح چنین منظوری داشته باشد اولین کسی که به آن توهین می‌شود خود من خواهم

بود. چون بنده به‌عنوان مدیر مسوول ۱۸ ماه سابقه جبهه دارم، یعنی ۱۸ ماه چشم بسته جنگ می‌رفتم. بنابراین اگر ما یک درصد هم احتمال می‌دادیم که چنین برداشتی از طرح بشود مطلقاً این طرح را کار نمی‌کردیم.» رسانه‌های مخالف «شرق» همان روز توقیف، تمام انرژی خود را گذاشتند و روزهای آینده به سکوت رفتند. این نوع خبررسانی برای آوردن به افکار عمومی برای توقیف روزنامه بود که به نتیجه هم رسید. اما پس از آن روز، رسانه‌های موافق «شرق» با آرمش کار خود را پیش بردند و با چهره‌های اصولگرایی در دفاع از «شرق» صحبت کردند که تحسین طرفداران روزنامه را برانگیخت. علیرضا قزوه و حسین کچوییان، از چهره‌های فرهنگی و دانشگاهی کاملاً اصولگرا اعلام کردند که توقیف، برخورد مناسبی با کاریکاتور «شرق» نبوده و این کاریکاتور مصداق توهین به رزمندگان محسوب نمی‌شود. حبیب‌الله صادقی و مجید قیصری از هنرمندان انقلابی هم از توقیف «شرق» انتقاد کردند. کمال تبریزی که برخی می‌گفتند به صف شدن رزمندگان برای بستن سرپند، در فیلم «لیلیا با من است» او تصویر شده بوده نیز از اینکه «شرق» توقیف شده ابراز تاسف کرد. احمد بخشایش‌اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، هم در روزهای بعد از توقیف، به سایت «عصر ایران» گفت که ندیده بیانیه علیه «شرق» را امضا کرده است: «خبر کاریکاتور را ندیده‌ام ولی برایم توضیح داده‌اند.

سه ماه بعد، مدیرمسوول «شرق» در دادگاه مطبوعات در دفاع از روزنامه گفت که اصلاً تصویری از تشکیل صف برای بستن سرپند از سوی رزمندگان دیده نشده است مگر در فیلم «لیلیا با من است» که فیلمی داستانی است نه مستند. رحمانیان در طول سه ماهی که روزنامه توقیف بود، به همه همکارانش امیدواری می‌داد که روزنامه مدت زیادی در توقیف نخواهد ماند. حتی این ماجرا به طنزی بین‌اعضای تحریریه تبدیل شده بود که وقتی از هم‌می‌پرسیدند «روزنامه چه خبر»، در پاسخ از رحمانیان نقل‌قول می‌کردند که «فضا مثبت است.» رحمانیان می‌گوید: «از وقتی از بازداشت خارج شدم و به دیدن یکی دو نفر از مسوولان رفتم، متوجه شدم که امکان رفع توقیف در کوتاه‌مدت وجود دارد. مسوولان قوفضاییه هم برخورد خیلی خوبی داشتند و آن گونه که از

نظر مخالفان و موافقان توقیف چهارم «شرق»

موافقان توقیف «شرق»

سید محمد حسینی، وزیر ارشاد: نظر ما توقیف روزنامه «شرق» است و آن را به دادستانی اعلام کرده و در جلسه هیات دولت با وزیر دادگستری مذاکره کرده‌ام. این کاریکاتور موهن درست در هفته دفاع مقدس، ارزش‌های حضرت امام و انقلاب را مورد توهین قرار داده است.

سردار محمدرضا نقدی، فرمانده بسیج: از روزنامه‌های وابسته به باندهای قدرت و ثروت و سلفان سران غارتگر بیت‌المال چه انتظاری دارید؟ کسانی که از روز اول سرسپرده سفارت رویاها پیر انگلیس بوده‌اند، طبیعی است که از تعطیلی سفارت ارباب، عصبانی و خشمگین باشند. اینها اقتضای نوکریشان همین است و خیلی طبیعی است روزنامه‌هایی که از جاسوس‌های برگشت‌خورده، M16 حمایت می‌کنند به بسیج بپنازند.

بیانیه بیش از ۲ هزار نفر از جانبازان و خانواده‌های ایشان گران: اینک یک روزنامه در اقدامی نادرست در هفته دفاع مقدس با چاپ کاریکاتوری موهن، ارزش‌های حضرت امام(ره) و انقلاب را مورد توهین قرار دهد، باعث تاسف و قابل تأمل است و اقدام سریع در برخورد با این رسانه قابل تقدیر.

کامران دانشجو، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری: قوه قضاییه پرورده روزنامه «شرق» را فوری و قاطعانه رسیدگی کند. به محض چاپ این کاریکاتور در روزنامه، رسانه‌های ضد انقلاب و مستکبران با خوشحالی از این کاریکاتور گزارش دادند. سرپند رزمندگان که چشم‌پند شده، نماد تاریکی است و امیدواریم دستگاه قضایی به این مساله فوری و قاطعانه رسیدگی کند. جامعه ما ولایت‌مدار و عاشق اهل بیت و ایثارگری و شهادت است و این اقدام روزنامه «شرق» توسط جامعه دانشگاهی محکوم شده است.

حجت‌الاسلام مجتبی ذولنور، جانشین سابق نماینده ولی فقیه در سیاه: ما روزنامه شرق را یک روزنامه قلمداد نمی‌کنیم چرا که در حقیقت آنها ارگان یک خط منحن سیاسی در کشور هستند که به مناسبت‌های مختلف همنوایی با دشمنان انقلاب را در دستور کار خود دارند. اقدام اخیر روزنامه شرق نکته تازه‌ای نیست چرا که اینها مسیرشان اهانت به ارزش‌های مردم بوده است لذا این بار نیز به مردمی که ۲۳۰ هزار شهید داده و از جان خود مایه گذاشته‌اند اهانت کرده‌اند. بی‌حیایی و بی‌شرمی روزنامه شرق باید حدی داشته باشد و اگر در سایه رافت اسلامی و فضای آزادی که برای اظهارنظر وجود دارد زندگی می‌کنند باید حیا داشته باشند.

مسعود دهنکی، مدیرمسوول هفته‌نامه شلمچه: اگر این رزمنده‌ها و شهدا نبودند آن اتفاقی که در بستانا یعنی‌ها بر سر مردم آوردند، الان بر سر مسوولان روزنامه «شرق» و سرمداران سیاسی آن می‌آمد و آن زمان قدر رزمندگان را می‌دانستند. گردانندگان روزنامه «شرق» ادامه‌دهنده مسیر همان کسانی هستند که در اوج تجاوز دشمن به کشورمان مقاومت مردم را زیر سوال می‌بردند.

جامعه

تبرئه روزنامه «شرق» از هر سه اتهام در دادگاه مطبوعات

دستگاه قضا انتظار می‌رود عادلانه برخورد کنند. در دادگاه مطبوعات هم، رئیس دادگاه و هیات منصفه رفتاری عادلانه و منصفانه داشتند.»

یکی از خطرانی که توقیف ماندن طولانی «شرق» می‌توانست داشته باشد، ایجاد رویه‌ای جدید برای دیگر روزنامه‌ها نیز بود. داوود محمدی، سردبیر «شرق» می‌گوید: «وقتی «شرق» توقیف شد، نوعی همدلی برای دفاع از آزادی مطبوعات به وجود آمد. همیشه خط قرمزهای مشخصی برای مطبوعات وجود داشته که همه روزنامه‌نگاران آن را رعایت می‌کرده‌اند. اما توقیف آخر «شرق» ناشی از سوبرداشت بود و مدیران مسوول همه روزنامه‌ها نگران بودند که این سوبرداشت‌ها که در هر فردی می‌تواند متفاوت باشد و روال روشنی هم ندارد، فضای فعالیت مطبوعاتی را بسیار محدودتر کند.» یکی از زائوبه‌های غوغانگیز توقیف مطبوعات، از دست رفتن شغل روزنامه‌نگاران و کارکنان روزنامه است. رحمانیان در دادگاه مطبوعات، در آخرین دفاعیات خود، خطاب به قاضی و هیات منصفه گفت: ۲۰۰۰ خوار از این روزنامه کسب درآمد می‌کنند که از هیات منصفه و دادگاه می‌خواهم این جالب را تبرئه کنند و اجازه انتشار دوباره روزنامه را بدهند.» درهای روزنامه شرق، در طول سه ماهی که توقیف بود، باز بود و روزنامه‌نگاران این روزنامه دور هم جمع می‌شدند. برخی از آنها در روزنامه‌های دیگر جذب شدند و تعدادی بیشتر، صبر کردند تا دوباره روزنامه منتشر شود. در دادگاه مطبوعات، «شرق» سه اتهام داشت که غیر از کاریکاتور روز چهارم مهر، نقل‌قولی از سلاطینه، نماینده ایران در آژانس انرژی اتمی و چاپ تیرت یک میلیون تومان شدن قیمت سکه طلا برخلاف دستور کمیسیون امنیت ملی، دو اتهام دیگر بود. در دادگاه مطبوعات، «شرق» از هر سه اتهام تبرئه شد. «شرق» تا به حال چهاربار توقیف شده که دلیل دو دفعه آن، انتشار کاریکاتوری بوده که توهین‌آمیز تلقی شده است. هادی حیدری، کاریکاتورپرست روزنامه، می‌گوید: «ستون ثابت برای کاریکاتور روزانه، نشانه پیشرو بودن روزنامه است. کاریکاتور چون تصویری است، زودتر تا آن ارتباط برقرار می‌شود و حساسیت روی آن هم بیشتر است. اما مشکل از کاریکاتورها نیست که بخواهیم آن را از روزنامه حذف کنیم.» «شرق» دوبار هم به دلیل مطالبش توقیف شده اما نمی‌توانیم بگوییم که «شرق» نباید مطلب چاپ کند چون به استناد آنها توقیف می‌شود.» مدیرمسوول روزنامه هم می‌گوید: «هر دو کاریکاتوری که منجر به توقیف «شرق» شده، در دادگاه مطبوعات تبرئه شده. لزومی ندارد که برای کم کردن خطر توقیف، کل ستون کاریکاتور را از روزنامه حذف کنیم.»

مخالفان توقیف «شرق»

محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور: به نظرم کار وزیر ارشاد قطعاً اشتباه بوده با این توضیح که ارزش‌های دفاع مقدس برای همه ملت ایران مقدس است چرا که متعلق به ملت است. اتهامی وارد شده ولی هنوز اثبات نشده، در حالی که باید در دادگاه صالح و در حضور هیات‌متنصفه این اتهام بررسی شود.

دکتر حسین کچوییان، عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی: به نظر می‌رسد که برخورد‌های صورت گرفته به هیچ روی موجه نباشد. در واقع، این برخورد‌ها بی‌تناسب نیست هست. این را نیز باید در نظر بگیریم که کاریکاتورپرست و مسوولان روزنامه به اشکال مختلف اتهام را رد کرده‌اند و حتی اظهارات کاریکاتورپرست می‌تواند به معنای نوعی عذرخواهی نیز تلقی شود.

علیرضا قزوه، شاعر انقلابی (در پاسخ به سوال سهیل محمودی): احساس‌ام این نیست که این کاریکاتور توهین است، من هم چنین چیزی را برداشت نکردم و ایشان از بچه‌های خوب و با معرفت کشورند و اصلاً در خط اهانت به رزمندگان نیستند.

کمال تبریزی، کارگردان فیلم طنز «لیلیا با من است»: در ظاهر و جزئیات کاریکاتور هم اثری از آثار جبهه و دفاع مقدس نیست. پس می‌توان پذیرفت که معنی مورد اتهام، در استنباط بعضی از مخاطبان بوده و ابدا مربوط به معنی مورد نظر آقای هادی حیدری نیست و نمی‌تواند مبنای اتهام به او باشد.

حبیب‌الله صادقی، نقاش و مجسمه‌ساز: به نظر و باور اینجانب با شناختی که از خانواده هنرمند و پدر ارجمندشان دارم و اینکه ایشان دوراهی نزد بنده به امر طراحی و آموزش آن پرداخته و زندگی عاطفی و معنوی این هنرمند را از نزدیک شاهد بوده‌ام، دلیل مدعایی که اعلام شده، به نظر دور از ذهن است.

عبدالجبار کاکایی، شاعر انقلاب (در پاسخ به سوال سهیل محمودی): رفتاری که نقادی را هتاک می‌داند گوشش بدهکار این حرف‌ها نیست. به نظر من حتی اگر قصد این هنرمند نقد جنگ باشد، باید روی گرسی آزاداندیشی بنشینند نه صندلی دادگاه.

مجید قیصری، نویسنده دفاع مقدس: این نوع رفتار فتح بابی می‌شود برای توهین به رزمندگان جنگ، در حالی که کار تون هادی حیدری اصلاً ابدا به رزمندگان توهین نمی‌کند و توقیف روزنامه «شرق» به خاطر برداشت اشتباه از آن کارتون، زمینه توهین به رزمندگان را رقم می‌زند.

بیانیه ۱۶۰ روزنامه‌نگار: به روزنامه‌نگاران با استناد به شخصیت سابقه و شناخت‌مان از هادی حیدری که برآمده از خانواده‌ای متدین و برخوردار از سابقه حضور در جبهه‌های دفاع مقدس است و همواره در چارچوب‌های قانونی و با احترام به ارزش‌های مذهبی و ملی فعالیت کرده است، اعلام می‌کنیم که کار نویسند ابدا در صدد القای محتوایی نبوده است که به نحوی توهین به رزمندگان دوران جنگ از آن برداشت شود.

نگاه

«دانشنامه «اس» دکتر شرعیتی» هم آمد

از اسطوره تا واقعیت



پژمان موسوی
Pejman.mousavi@gmail.com

● شرعیتی را نمی‌توان انکار کرد؛ می‌توان از او آموخت، می‌توان او را الگویی برای زندگی و تفکر دانست و حتی می‌شود او را مایه طنز و استهزا قرار داد اما بی‌شک نمی‌توان او را انکار کرد. علی شرعیتی نامی است که هنوز هم پس از ۴۰ سال از طرح اولیه آن در محافل و جمع‌های دانشجویی، بر سر زبان‌هاست و کتاب‌هایش در قفسه کتابخانه‌ها، دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم، به‌شیم علی شرعیتی و جایگاهش در میان مردم، آرم‌ها هر روشنفکر و نویسندهای است چرا که هنوز هم پس از ۴۰ سال، هیچ نویسنده و روشنفکری نه تیراژ کتاب‌های او را به دست آورده است و نه محبوبیتش را در میان مردم (شما بخوانید عوام). داستان پیامک‌های طنزآمیز علیه دکتر علی شرعیتی اما چندی است که تمامی فضای مجازی و شبکه پیامکی ما را درنور دیده است و هر «فرد درگیر در این ماجرا» می‌کوشد که در این داستان از دیگری عقب نیفتد و گوی سبقت را از هم‌قطاران خود بریابد. داستان اما واقعاً چیست؟

برداشت اول

«بسیار خیال‌بخار حالمونو بکنیم؛ دکتر شرعیتی کیلویی چندند؟» این واکنش مشترک طیف زیادی از آنانی است که به قول خودشان با این جوک‌ها «حال» می‌کنند. کاری هم ندارند که شرعیتی که بسوده و چه کرده با این جوک‌ها چه بتیامی می‌تواند در جامعه داشته باشد. آنها «دم» را غنیمت می‌شمرند و کاری هم به عواقب کارشان ندارند. می‌گویند: «ببین تو نور خود این جملات رو؛ ای تف به پدر سازنده این بازی، دکتر شرعیتی پس از Game Over شدن/ با حسین کشقم گو؟» دکتر شرعیتی هنگام بیرون آمدن از هیات/ «آی‌س‌دی» چه گرون شده، دکتر شرعیتی در بازگشت از سفر بهانه در عجب از مرمی که به دلیل یکی، دو لیوان شربت مفت چندین لیتر بنزین آزاد می‌سوزانند، دکتر شرعیتی در ترافیک نیمه شبیان/ «حال نمی‌کنی کتیاخیش؟»

برداشت دوم

خسته شدیم از بس از دکتر شرعیتی شنیدیم! اینقدر پدران ما روی آرا و افکار دکتر شرعیتی تاکید می‌کنند و راه درست را پیروی از او می‌دانند که او را برای ما تبدیل به اسطوره کرده‌اند. عکس یک بیشتر مجلات و روزنامه‌ها در این سال‌ها شده علی شرعیتی، در دانشگاه‌ها بعضاً راه و روش او توصیه می‌شود. طبیعی است که در یک چنین فضایی ما این راه را برگزیده‌ام تا اسطوره شرعیتی را بشکنیم. ما می‌خواهیم او را هم زمینی کنیم و در حد یک انسان جایز‌الخطا پایین بیاوریم... موضع‌گیری‌هایی از این دست هم واکنش طبیعی و مشترک آنانی است که به نوعی در فضایی فکری بزرگ شده‌اند و پدران‌شان به قول معروف «شرعیتست» بوده‌اند.

برداشت سوم

«حبوبیت دکتر شرعیتی در جامعه بالاست. بد نیست با یک فشارسازی، کمی از محبوبیت او(در جامعه کم کرده و او را مورد استهزا و طنز نسل جدید قرار دهیم.» این هم یک احتمال از چرایی رواج این پدیده در جامعه ماست و عدای بر این باورند که این مخالفان فکری دکتر شرعیتی هستند که این «اسام‌ها» را در جامعه رواج داده‌اند تا به خیال خود اندکی از محبوبیت او را جامعه بکاهند.

●●●

هر کدم از این دلایل به نوبه خود می‌تواند دلیلی باشد بر رواج این پدیده فراگیر. پدیده‌ای که اخیراً و با راننداری «دانشنامه «س» دکتر شرعیتی» در فضای مجازی و جمع کردن همه جملات طنز منتسب به او در آن، نمود بیشتری می‌یافته است. به قول سوسن شرعیتی: «شرعیتی چه اسطوره باشد و این پیامک‌ها به قصد شکستنش ارسال شود و چه دست‌های پنهان دست‌اندرکار توطئه‌ای به قصد تخریب اندیشمندی محبوب و معتبر باشند، هر دو مبارک است. در شق اول باید خوشحال بود که بار دیگر شرعیتی پنهان‌ای شده است برای برداشتن گامی به سوی گسترش فرهنگ تساهل و بردباری در شق دوم معلوم می‌شود که پدیده شرعیتی چالشی است جدی و باید بدش ساخت به موضوع شرعیتی در این میان، اگر اسطوره نباشد که خب با این طنز‌ها نمی‌شکند و اگر هم اسطوره باشد که با این توطئه‌ها اسطوره را نمی‌شود محو کرد. بگذراید حال‌شان را بکنند: نسل جوان باشد یا دست‌های پنهان...»

خبر خوان

ایسنا / سردار رادان: قیمت مواد مخدر افزایش یافته و حتی در برخی از انواع مواد مخدر قیمت‌ها دو برابر شده است.

مهر / رئیس سازمان زندان‌های کشور: آمار ورود روزانه ۱۶۰۰ نفر به زندان‌ها به واقعیت نزدیک است زیرا در سال‌های اخیر ورودی به زندان بیشتر بوده است.

خبرگزاری میراث: طبق دستور استاندار خوزستان قرار است رنگ پل سیاه اهواز به رنگ سفید درآید. این در حالی است که پل سیاه اهواز در فهرست آثار ملی ایران با نام «پل سیاه» به ثبت رسیده است.

ایبنا/ مر ترضی طلایی: متاسفانه گزارش‌هایی مبنی بر تشکیل زندگی‌های مجردی در شمال شهر تهران داریم که در آن دختر و پسر دانشجو بدون ازدواج رسمی زیر یک سقف زندگی می‌کنند.